شده و بر چوپان كه شروع به گشتن بدنبال او مي‌كند. چوپان بيش از هر چيز ديگري به خداي پدر اشاره دارد كه مظهر تثليث اقدس مي‌باشد. او مالك تمامي گوسفندان است و حاضر نيست كه هيچيك از اين كوچكان گم شود!

4- تشخيص پيام اصلي مَثَل
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل گوسفند گمشده در متي 18:12-14 در بارهٔ «نگرش خدا نسبت به گمشدگان» تعليم مي‌دهد.
پيام اصلي اين مثل به اين شرح است: «ارادهٔ مكشوف‌شدهٔ خدا اين است كه حتي يكي از گوسفندانش نيز هلاك نگردد، بلكه همگي ايشان كاملاً نجات يابند. بنابراين، محبت مشتاقانهٔ خدا نسبت به فرزندان گمشده‌اش سبب مي‌شود كه بدنبال ايشان بگردد و ايشان را به گله باز گرداند.»
«جستجو براي نجات گمشده» يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خداست. شهروندان واقعي ملكوت خدا قدم در جاي پايهاي عيسي مي‌گذارند و ايشان نيز در پي يافتن آناني مي‌روند كه از كليسا و ايمان دور شده‌اند.

5- مقايسهٔ مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتابمقدس
قرائت: تثنيه 5:29؛ مزمور 119:176؛ اشعيا 45:22-23؛ 48:17-19؛ حزقيال 18:23،32؛ 33:11؛ متي 9:37-38، 11:28-29؛ 23:37؛ يعقوب 5:19-20؛ دوم پطرس 3:9؛ مكاشفه 22:17.
كشف و بحث: چگونه تعليم هر يك از اين بخشهاي كتاب‌مقدس را مي‌توان با تعليم اين مثل مقايسه كرد؟
يادداشتها: اين حقيقت پرشكوه كه خدا مايل نيست هيچيك از اين صِغار (كوچكان) (يعني فرزندان خدا) گم شود، با تعليم كتاب‌مقدس همسو مي‌باشد. كاربرد مثل نشان مي‌دهد كه تأكيد بيشتر بر خداست كه شخص گمشده را جستجو مي‌كند تا بر شخصي كه گم شده است.

سكه گمشده

قرائت: لوقا 15:8-10.

1- درك داستان طبيعي مَثَل
بحث: در اين داستان، عناصر منطبق با واقعيات زندگي كدامها هستند؟
يادداشتها: سكهٔ يك‌درهمي كه گم شده بود، ارزشي برابر با دستمزد يك روز داشت. براي كارگر روزمزد، اين پول زيادي بود! آن زن شايد آن ده دِرْهَم را بصورت يك گردنبند به گردن خود آويخته بود، يا به‌احتمال بيشتر، آن را در كيسه‌اي به لباس خود وصل كرده بود. شايد زنجير پاره شده بود يا گرهٔ كيسه شُل شده و يكي از سكه‌ها به زمين افتاده و گم شده بود.
خانهٔ مردمان فقير در روزگار عيسي متشكل از اتاق كوچكي بود با كفي خاكي و بدون پنجره يا با پنجره‌اي كوچك. از آنجا كه خانهٔ او بسيار كوچك بود، او چراغي روشن كرد و تمام كف زمين را جارو كرد تا آنكه سكهٔ گمشده را يافت. آنگاه با شادي، دوستان و همسايگان خود را فرا خواند و ماجرا را براي ايشان بازگو كرد.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
كشف و بحث: زمينه، داستان و توضيح يا كاربرد اين مثل چيست؟
يادداشتها:
الف) زمينهٔ مثل همان زمينهٔ مثل گوسفند گمشده در لوقا 15:1-7 مي‌باشد.
ب) داستانِ مثل در لوقا 15:8-9 يافت مي‌شود.
ج) توضيح يا كاربردِ مثل در لوقا 15:10 آمده است.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مَثَل
بحث: كداميك از جزئيات اين مثل واقعاً اساسي يا مربوط مي‌باشد؟
يادداشتها:
الف) حالت تمثيلي دادن. بعضي از مفسران، تفسير زير را ارائه داده‌اند:
زن مظهر روح‌القدس است. ايشان از طريق فرايند حذف به چنين نتيجه‌اي رسيده‌اند. پدر در مثلِ پسر گمشده، مظهر خداي پدر است. مردي كه در مثل گوسفند گمشده يكصد گوسفند داشت، مظهرِ خداي پسر است. در نتيجه، زن در مثل سكه گمشده بايد مظهر خداي روح‌القدس باشد. عدهٔ ديگري از مفسران، زن را مظهر كليسا مي‌شمارند. چراغ معرف انجيل است. خودِ جارو (كه حتي به آن اشاره نشده!) مظهر شريعت است. اين تفسيرها درست نيستند.

ب) توضيح عيسي. عيسي براي جزئيات مختلف اين مثل معناي خاصي قائل نمي‌شود. اما توضيح مي‌دهد كه اين مثل خدا را نشان مي‌دهد كه در ميان فرشتگانش شادي مي‌كند از اين كه حتي يك گناهكار نيز توبه كند.

4- تشخيص پيام اصلي مَثَل

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها: مثل سكة گمشده در لوقا 15:8-10 در بارة «نگرش خدا نسبت به گمشدگان» تعليم مي‌دهد.

پيام اصلي اين مثل به اين شرح است: «خدا كه مسكنش در ميان فرشتگان است، گناهكاران را مي‌جويد و حتي براي يكي از آنان كه توبه يا بازگشت كند، شادي مي‌نمايد.»

«جستجو براي نجات گمشدگان» يكي از ويژگيهاي ملكوت خداست. شهروندان ملكوت خدا قدم در جاي پايهاي عيسي مي‌گذارند و به جستجوي مردماني مي‌پردازند كه گم شده‌اند.

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتابمقدس

به مثل پسر گمشده رجوع كنيد.

ضميمه 4
بازگشت روح پليد + دو بدهكار

مَثَل بازگشت روح پليد در متي 12:43-45 و مثل دو بدهكار در لوقا 7:40-50، مثل‌هايي هستند در بارة «محبت فرارونده در ملكوت خدا».

بازگشت روح پليد

قرائت: متي 12:43-45.

1- درك داستان طبيعي مَثَل
بحث: در اين داستان، عناصر منطبق با واقعيات زندگي كدامها هستند؟
يادداشتها: در تجربة برخي افراد، عناصر اين داستان با واقعيت زندگي منطبق نيست. علت آن اين است كه باور ندارند كه شيطان يا ارواح پليد وجود دارند يا هرگز بطور واقعي با ارواح پليد مواجه نشده‌اند.
به‌هر حال، در روزگار عيسي، مردم عموماً به وجود ارواح پليد اعتقاد داشتند، و با مردم تسخيرشده در جامعه خودشان مواجه مي‌شدند، و بسياري حتي مي‌ديدند كه چطور عيسي ارواح پليد را از اشخاص اخراج مي‌كند! براي آنان، داستان اين مثل مطلقاً غريب نبود. در بسياري از جوامع امروزي، وضع كماكان مانند زمان عيسي است.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
كشف و بحث: زمينه، داستان و توضيح يا كاربرد اين مثل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينة داستان در متي 12:22-42 يافت مي‌شود. اين داستان شامل موارد زير استك
1- نشانة نابودي شيطان. متي 12:22-37 به اين سؤال مي‌پردازد كه آيا معجزات مسيح نشانه يا دليلي است بر حاكميت (سروري و اقتدار و كنترلِ) شيطان، يا بر نابودي او؟ زمينة داستان بيانگر مخالف روزافزون فريسيان و فقيهان يهود با عيسي و خدمت او مي‌باشد. ايشان از عيسي بخاطر انجام كارهايي كه در روز سبت غيرمجاز بود انتقاد مي‌كردند و در فكر توطئه‌چيني براي قتل او بودند (متي 12:2،7،10،14). عيسي وقتي مرد ديوزده‌اي را كه بينايي و قدرت تكلم خود را از دست داده بود شفا داد، فريسيان هنوز همراه او بودند (متي 12:22-23). در اينجا، فريسيان و فقيهان آشكارا به او كفر گفتند و ادعا كردند كه او روح‌هاي پليد را با قدرت بعل‌زبول يا بعل‌زبوب، يعني شيطان بيرون مي‌كند. اما عيسي در پاسخ فرمود كه وقتي او ارواح پليد را به‌واسطة روح خدا اخراج مي‌كند، اين نشان مي‌دهد كه ملكوت خدا بر ايشان آمده است. عيسي تعليم داد كه معجزات شفا و اخراج ارواح كه او به‌عمل مي‌آورد، نشانة سلطه و قدرت شيطان نيست، بلكه نشانه و دليلي است بر نابودي شيطان! اينها نشانه‌ها و دلايلي بود مبني بر واقعيت ملكوت خدا و حضور آن! عيسي فرمود كه بستن شيطان و اخراج ديوهايش نشانه اين است كه ملكوت خدا بر زمين آمده است!
2- آيت يونس نبي. در متي 12:38-42، عيسي عطش ايشان را براي مشاهدة آيتي (نشانه‌اي) معجزه‌آسا سرزنش مي‌كند. با اينكه عيسي در مقابل چشمان فريسيان و فقيهان معجزات شفاي بسيار انجام مي‌داد، ايشان آنها را صرفاً نشانه‌هايي زميني قلمداد كرده، رد مي‌كردند و مي‌گفتند كه آنها با قدرت شيطان انجام گرفته‌اند. ايشان خواستار آن بودند كه عيسي آيتي آسماني به ايشان نشان دهد، نظير آتشي كه ايليا از آسمان آورد، تا به اين ترتيب ثابت كند كه مسيحاي موعود است (متي 16:1). بدينسان، اين رهبران مذهبيِ اسرائيل همراه با پيروانشان، واقعاً علاقه‌اي به شفا و نجات مردم نداشتند، بلكه فقط خواستار كارهاي حيرت‌انگيز بودند. يگانه نشانه‌اي كه عيسي به ايشان مي‌داد، نشانه يا آيت يونس نبي بود. آيت يونس نمونه‌اي بود (يعني رويدادي بود تشريحي) در خصوص قيام عيسي مسيح از مردگان. عيسي در واقع مي‌گفت كه قيامش از مردگان يگانه نشانه‌اي است كه او به اين نسلِ تشنة نشانه خواهد داد.
3- نشانة مذهبي منفي‌گرا. آن نوع مذهبي كه فريسيان و فقيهان مدافعش بودند، مؤكداً مذهب امور منفي (مُنهيات يا نهي‌ها) بود. ايشان بر جنبه‌هاي مثبت عهدعتيق (امر به معروف) تأكيد نمي‌گذاشتند، بلكه بر جنبه‌هاي نفي‌كنندة آن. ايشان به مردم تعليم داده، مي‌گفتند: «با باجگيران و گناهكاران معاشرت نكنيد؛ قانون روز سبت را با كندن خوشه‌هاي گندم يا شفاي بيماران نقض نكنيد؛ سوگندي را كه به خدا ياد كرده‌ايد، نشكنيد » و غيره. ايشان فهرستي از 365 نهي داشتند، و تمام پيروانشان مي‌بايست از آنها اطاعت كنند! در مذهب ايشان، 365 «نكنيد» وجود داشت! در چارچوب چنين مذهب منفي‌گرايي بود كه عيسي مَثَل بازگشت روح پليد را بيان كرد.